مشاور ارشد سابق آمریکا در مقاله‌ای راهکارهایی به واشنگتن برای رقابت با چین در عرصه جهانی داده است

نظم جایگزین چین

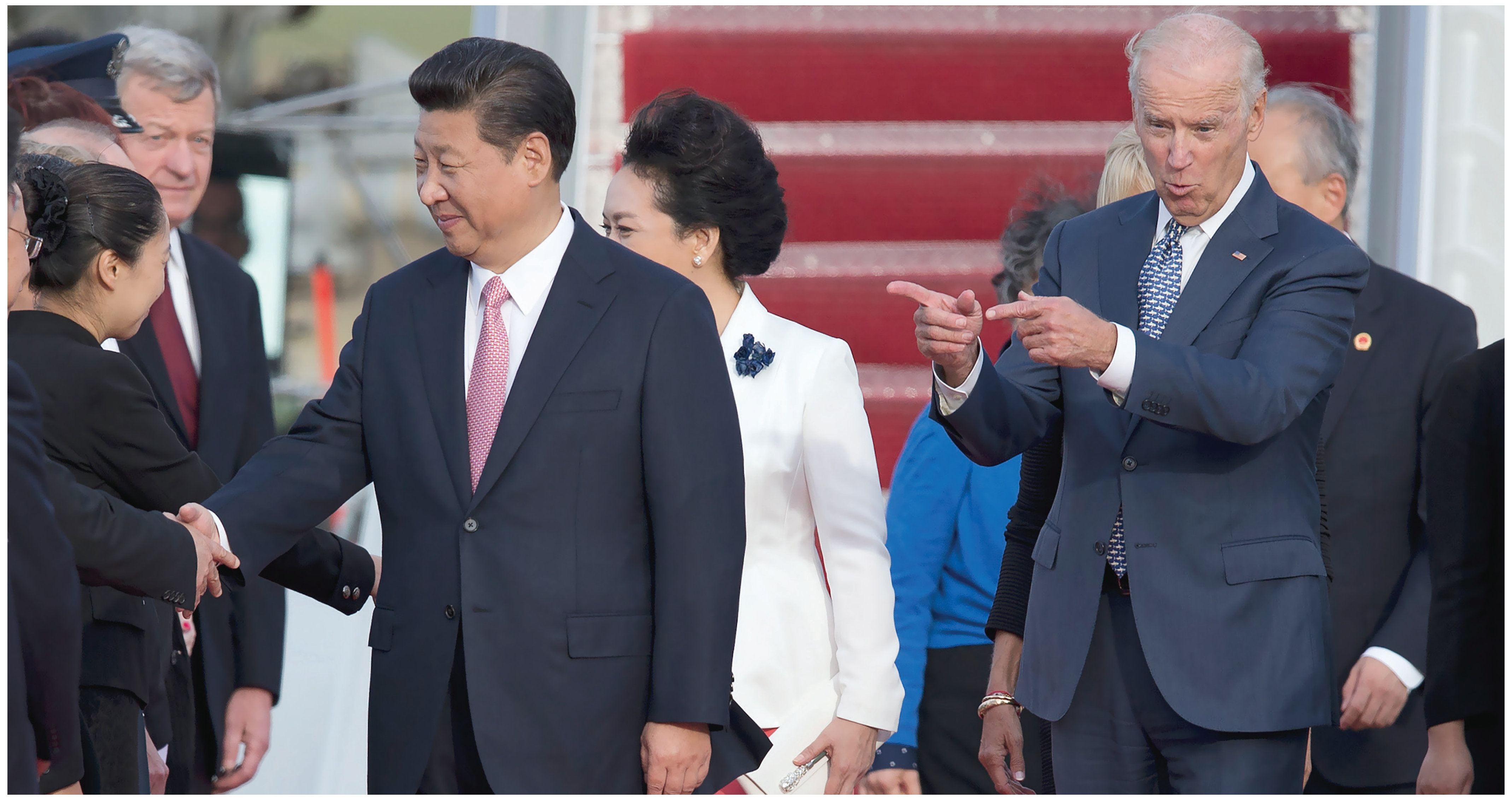

سجاد عطازاده
مترجم

الیزابت اکانومی، مشاور ارشد سابق وزارت بازرگانی آمریکا در حوزه چین، در مقاله «نظم جایگزین چین، درس‌هایی که باید آمریکا از چین فرابگیرد» که در شماره می/ژوئن نشریه فارن‌افرز منتشر شده، به بررسی رقابت ایالات‌متحده و چین در عرصه جهانی پرداخته و از منظر یک کارشناس و مسئول آمریکایی، راهکارهایی را برای بهبود عملکرد آمریکا در این رقابت ارائه داده است.

جاه‌طلبی شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین برای دوباره ساختن جهان اکنون دیگر روشن شده است. او قصد دارد شبکه اتحادهای واشنگتن را از بین ببرد و آنچه را ازنظر او ارزش‌های «غربی» سازمان‌های بین‌المللی خوانده می‌شود، بزداید. او می‌خواهد دلار از مسند قدرت به زیر بکشد و دست واشنگتن را از گلوگاه فناوری‌های حیاتی کوتاه کند. در نظم بین‌المللی چندجانبه شی، نهادها و هنجارهای جهانی با ویژگی‌هایی از قبیل امنیت و توسعه اقتصادی مشترک، ارزش‌های چینی حقوق تعیین‌شده از سوی دولت و فناوری‌های چینی شناخته خواهند شد. [در این شرایط] چین دیگر برای رهبری مجبور به جنگیدن نخواهد بود و مرکزیت آن تضمین خواهد شد.

شی این جهان را قابل‌دسترسی می‌داند. او در جلسه کمیته مرکزی امور سیاست خارجی در دسامبر گذشته (مطابق با یک گزارش دولتی) چین را «یک کشور دارای اعتمادبه‌نفس، خوداتکا، باز، دارای شمولیت و بزرگ» خواند؛ کشوری که «بزرگ‌ترین سکوی جهان برای همکاری بین‌المللی را ایجاد کرده» و سردمدار «اصلاح نظام بین‌الملل» است. شی اظهار داشت مفهوم مطرح‌شده از سوی او درباره نظم جهانی - جامعه دارای آینده مشترک برای بشریت - اکنون از یک ابتکار چینی به یک «اجماع جهانی» تحول یافته که قرار است از طریق چهار ابتکار چینی اجرایی شود: ابتکار کمربند-جاده، ابتکار توسعه جهانی، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار تمدن جهانی.

چنین ادعاهای تند و خودمتشکرانه‌ای در خارج از چین اغلب رد شده یا به آنها وقعی گذاشته نمی‌شود؛ امری که دلیل آن معلوم است: تعداد زیادی از برنامه‌های چین شکست خورده یا نتیجه معکوس به بار داشته‌اند. بسیاری از همسایگان چین در حال نزدیک شدن به آمریکا بوده و اقتصاد این کشور نیز تضعیف گشته است. سبک دیپلماسی جنجالی «گرگ جنگجو» نیز ممکن است سبب خشنودی شی شده باشد اما دوستان چندانی برای چین در بین کشورهای دیگر نیافته است. مطالعه انجام‌شده توسط موسسه پیو در سال ۲۰۲۳ به بررسی دیدگاه‌های ۲۳ کشور جهان در ۶ قاره مختلف نسبت به ایالات‌متحده و چین پرداخته است؛ این پژوهش نشان می‌دهد تنها ۲۸ درصد پاسخ‌دهندگان نظر مثبتی درباره چین داشته و فقط ۲۱ درصد این کشور را در صلح جهانی نقش‌آفرین می‌دانند. این درحالی است که ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان نظر مثبتی درباره آمریکا داشته و ۶۱ درصد هم معتقد به نقش‌آفرینی مثبت واشنگتن در صلح جهانی هستند.

اما دیدگاه شی بسیار بیشتر از آنچه به‌نظر می‌رسد، خطرناک است. پیشنهادهای مطرح‌شده از سوی چین سبب قدرت بخشیدن به بسیاری از کشورهایی خواهد شد که در نظم فعلی به حاشیه رفته و از آن ناامید شده‌اند. به‌علاوه در این پیشنهادها برای کشورهایی هم که محبوب واشنگتن هستند، نقش‌های بین‌المللی ارزشمندی در نظر گرفته شده است. در پشت ابتکارات چین، یک راهبرد عملیاتی جامع، برخوردار از منابع لازم و منظم وجود دارد- راهبردی که دستان خود را به‌سوی دولت‌ها و مردم تقریبا همه کشورها باز کرده است. این روش‌ها سبب شده‌اند چین به محبوبیت تازه‌ای دست یابد؛ آن هم مخصوصا در بعضی از سازمان‌های چندجانبه و از سوی کشورهای غیردموکراتیک. پکن در تبدیل خود به کارگزار تغییرات مطلوب و نشان دادن ایالات‌متحده به‌عنوان مدافع نظم موجودی که تعداد کمی واقعا به آن علاقه‌مند هستند، موفق بوده است.

سیاستمداران آمریکایی باید به‌جای رد تجربیات چین، از آنها بیاموزند. ایالات‌متحده برای موفقیت در رقابتی که طولانی‌مدت خواهد بود، باید پرچم تغییرات را که اکنون در دستان چین است، در اختیار خود بگیرد. واشنگتن باید بینش خود را درباره نظم بین‌المللی متحول شده و نقش آمریکا در آن اظهار نماید؛ بینشی که مشتمل بر کشورهای دارای سطوح اقتصادی مختلف و نظام‌های سیاسی متفاوت باشد. واشنگتن باید مانند چین در بنیادهای فناورانه، نظامی و دیپلماتیکی که سبب ایجاد امنیت در داخل و رهبری در خارج می‌شوند، سرمایه‌گذاری عمیقی کند. البته ایالات‌متحده در عین تعهد به رقابت، باید متوجه این نکته باشد که ثبات کوتاه‌مدت روابط دوجانبه با چین، سبب پیشبرد نیل واشنگتن به اهداف نهایی خود شده و مانعی برای این مهم نخواهد بود. آمریکا باید مبنای خود را نشست سال قبل بایدن و شی قرار دهد؛ ادبیات آتشین ضدچینی را محدود سازد و یک رابطه دیپلماتیک کاربردی‌تر را دنبال کند. آمریکا در این شرایط خواهد توانست بر رسالت مهم‌تری متمرکز شود: برد بازی بلندمدت.

ایده چین با بینشی درباره نظم جهانی متحول شده که به‌خوبی تعریف شده است، آغاز می‌شود؛ دولت پکن خواستار نظامی است که تنها مبتنی بر چندجانبه‌گرایی نبوده و حاکمیت مطلق هم در آن در نظر گرفته شده باشد؛ امنیت آن ریشه در اجماع بین‌المللی و منشور سازمان ملل داشته باشد، حقوق بشر در آن از سوی دولت‌ها تعیین‌شده باشد، شرایط خاص هر کشور در آن در نظر گرفته شده باشد، توسعه «شاه‌کلید» تمامی مسائل باشد، سلطه دلار آمریکا در آن به اتمام رسیده باشد و تعهد عدم عقب ماندن هیچ کشور یا شخصی در آن صادر شده باشد.

این بینش موجود در خوانش چینی نقطه مقابل نظم پشتیبانی‌شده از سوی ایالات‌متحده است. وزارت امور خارجه چین در گزارشی در سال ۲۰۲۳ اظهار داشت که واشنگتن همچنان «به ذهنیت متعلق به دوران جنگ سرد پایبند مانده» و از طریق «قرار دادن بلوک‌های کوک ایجادشده از مسیر نظام اتحادها» درتلاش است تا «در منطقه تفرقه ایجاد کند، سبب تقابل شود و صلح را تضعیف کند.» در این گزارش همچنین ذکر شده بود که واشنگتن «در امور داخلی دیگر کشورها» دخالت می‌کند، از جایگاه دلار به‌عنوان ارز ذخیره بین‌المللی برای واداشتن «سایر کشورها به محقق کردن راهبردهای سیاسی و اقتصادی خود استفاده می‌کند» و درپی «ممانعت از توسعه علمی، فناورانه و اقتصادی دیگر کشورهاست.» وزارت امور خارجه چین همچنین مدعی شده بود ایالات‌متحده به‌دنبال «هژمونی فرهنگی» است و «سلاح‌های واقعی آمریکا در فرآیند گسترش فرهنگی خود، خطوط تولیدی شرکت‌های متل و کوکاکولا هستند.»

پکن اما مدعی است که بینش آن، برخلاف نگاه آمریکا، در خدمت منافع بخش اعظم مردم جهان است. چین در مرکز صحنه قرار دارد اما همه کشورها، ازجمله آمریکا، در آن نقشی برای ایفا دارند، مثلا وانگ یی، وزیر امور خارجه چین در نشست اجلاس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۲۴ اظهار داشت که چین و ایالات‌متحده مسئول ثبات راهبردی جهانی هستند. درعین‌حال چین و روسیه نیز نماد کاوش برای یافتن مدلی جدید در روابط کشورهای بزرگ هستند. پکن و اتحادیه اروپا دو بازار بزرگ جهانی هستند و باید دربرابر ایجاد بلوک‌های مبتنی بر ایدئولوژی مقاومت کنند. چین که وانگ از آن به‌عنوان «بزرگ‌ترین کشور درحال‌توسعه جهان» یاد کرد، همبستگی و مشارکت با کشورهای جنوب جهانی را تقویت می‌کند تا نمود آن در مسائل جهانی گسترش یابد.

بینش چین به‌گونه‌ای طراحی شده که تقریبا برای همه کشورها جذاب باشد. وضعیت کشورهای غیردموکراتیک در این بینش مورد تایید قرار گرفته است. کشورهای دموکراتیکی هم که جزء قدرت‌های بزرگ به‌شمار نمی‌روند، جایگاه بالاتری در نظام بین‌الملل و سهم بیشتری از منافع جهانی کسب خواهند کرد، حتی کشورهای دموکراتیک بزرگ هم می‌توانند درباره این گزاره تامل کنند که آیا نظام کنونی برای پاسخ به چالش‌های امروزی کافی است یا اینکه چین چیزهای بیشتری برای ارائه به آنها دارد؟ ناظران مستقر در آمریکا یا کشورهای دیگر ممکن است با ناباوری به واژگان ثقیل این بینش بنگرند اما با این کار خود را به خطر می‌افکنند: نارضایتی از نظم فعلی جهانی سبب ایجاد مخاطبانی [برای چین] در سطح جهان شده است که در مقایسه با زمانی نه‌چندان دور نسبت به ایده‌های پیشنهادی چین رویکردی مثبت‌تر دارند.

چهارستون

چین نزدیک به دودهه است که به «مفهوم جدید امنیت» اشاره دارد؛ مفهومی که مشتمل بر هنجارهای جدیدی مانند امنیت مشترک، تنوع نظام و چندجانبه‌گرایی است. اما در سالیان اخیر، پکن به این نتیجه رسیده که قابلیت لازم برای پیشبرد این بینش را کسب کرده است. شی برای نیل به این هدف در دهه اول مسئولیت خود، از سه برنامه جهانی جدید رونمایی کرد: ابتکار کمربند-جاده در سال ۲۰۱۳، ابتکار توسعه جهانی در سال ۲۰۲۱ و ابتکار امنیت جهانی در سال ۲۰۲۲. هرکدام از این ابتکارات به‌نوعی تحول در نظام بین‌الملل و مرکزیت چین در آن را پیش می‌برد.

ابتکار کمربند-جاده در ابتدا سکویی برای پکن بود تا از طریق آن نیازهای زیرساختی اقتصادهای نوظهور و دارای درآمد متوسط تامین شده و درعین‌حال از ظرفیت مازاد صنعت ساخت‌وساز چین استفاده شود. این ابتکار از همان زمان به موتور ژئواستراتژی پکن تبدیل شده است: تعبیه جهانی زیست‌بوم دیجیتال، بهداشت و فناوری‌های پاک چین در سطح جهانی، گسترش مدل توسعه این کشور، افزایش دامنه حضور ارتش و نیروهای پلیس چین و گسترش استفاده از واحد پول آن.

تمرکز ابتکار توسعه جهانی بر توسعه وسیع‌تر جهانی است و چین را مستقیما در صندلی راننده [کنایه از جایگاه تصمیم‌گیری] می‌نشاند. این ابتکار اغلب با همکاری سازمان ملل اجرایی می‌شود، به پشتیبانی از پروژه‌هایی در مقیاس کوچک می‌پردازد که هدف آنها کاهش فقر، تسهیل اتصال دیجیتال، مقابله با تغییرات آب‌وهوایی و امنیت بهداشتی و غذایی است. این ابتکار بینش چین برای استفاده از توسعه اقتصادی به‌عنوان مبنای حقوق بشر را تسهیل می‌کند، مثلا یکی از اسناد دولت چین درباره این ابتکار، کشورهای دیگر را متهم کرد که «مشغول به حاشیه راندن مسائل توسعه‌ای با تاکید بر حقوق بشر و دموکراسی هستند.»

چندین کارشناس چینی اظهار داشته‌اند که ابتکار امنیت چینی از سوی پکن به‌عنوان نظامی برای استفاده از «عقلانیت چینی و راه‌حل‌های چینی» در جهت «صلح و آرامش جهانی» مطرح شده است. به بیان خود شی، ابتکار امنیت جهانی «کنار گذاشتن ذهنیت جنگ سردی، مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی و نه گفتن به سیاست گروهی و مواجهه بلوکی» را دنبال می‌کند. شی معتقد است مسیر بهتر، ایجاد «یک معماری امنیتی متوازن، موثر و پایدار» است که تفاوت‌های موجود بین کشورها را از طریق گفت‌وگو و مشورت حل کرده و بر عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها تاکید دارد. این ابتکار در ذیل الفاظ خود، با هدف پایان دادن به نظام اتحادهای ایالات‌متحده، تاکید بر امنیت به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه و گسترش حاکمیت مطلق و امنیت غیرقابل تقسیم یا این ایده که امنیت یک دولت نباید به بهای از دست رفتن امنیت دولت‌های دیگر تامین شود، طراحی شده است. چین و روسیه از این ایده برای توجیه حمله روسیه به اوکراین استفاده کرده‌اند و بر این نکته تاکید دارند حمله مسکو برای جلوگیری از تهدید روسیه بر اثر گسترش ناتو ضروری بود.

اما راهبرد شی در سال گذشته و با رونمایی از ابتکار تمدن جهانی در می ۲۰۲۳ وارد مرحله جدیدی شد. این ابتکار بر این نکته تاکید دارد که کشورهای دارای تمدن و سطوح توسعه متفاوت، مدل‌های سیاسی و اقتصادی متفاوتی نیز دارند. مطابق با این ابتکار، حقوق از سوی دولت‌ها تعیین می‌شوند و هیچ کشور یا مدلی حکم کنترل‌کننده گفتمان حقوق بشر را ندارد. چین گانگ، وزیر امور خارجه اسبق چین در همین راستا اظهار داشت: «در حفاظت از حقوق بشر، هیچ لباسی وجود ندارد که مناسب همه سایزها باشد.» بنابراین یونان با سنت‌های فلسفی و فرهنگی و سطح توسعه خود، فهم و کنشگری متفاوتی در مقایسه با چین از حقوق بشر خواهد داشت که البته هر دو آنها معتبر هستند.

رهبران چین سخت مشغول تلاش هستند کشورها و نهادهای بین‌المللی را جذب بینش خود کنند. راهبرد آنها دارای چندسطح است: عقد قرارداد با کشورهای منفرد، وارد کردن ابتکارات خود یا اجزایی از آنها به سازمان‌های چندجانبه و لحاظ کردن پیشنهادهای آنها در نهادهای حکمرانی جهانی. ابتکار کمربند-جاده نمونه این رویکرد به‌شمار می‌رود. حدود ۱۵۰ کشور به عضویت این ابتکار درآمده‌اند؛ ابتکاری که آشکارا از ارزش‌هایی حمایت می‌کند که به پشتیبانی از ارزش‌های شکل‌دهنده به بینش چین می‌پردازند؛ ارزش‌هایی از قبیل تفوق توسعه، حاکمیت، حقوق بشر هدایت‌شده از سوی دولت و امنیت مشترک. این عقد قراردادهای دوجانبه با تلاش‌های مسئولان چینی برای برقراری اتصال بین این ابتکار و دیگر تلاش‌های منطقه‌ای توسعه‌ای، مانند ابربرنامه اتصال ۲۰۲۵- که از سوی اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا ایجادشده- همراه شده است.

چین همچنین موفق شده این ابتکار را وارد بیش از ۲۴ برنامه و طرح سازمان ملل کند. پکن به‌طور مشخص سخت کار کرده تا ابتکار کمربند-جاده و اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل را با یکدیگر همراستا کند. دفتر امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل که برای بیش از یک دهه مسئولیت آن بر عهده یک چینی است، گزارشی درباره حمایت چین از این برنامه منتشر کرده است. این گزارش از سوی «صندوق تراست صلح و توسعه سازمان ملل متحد» که با تعهد ۲۰۰ میلیون دلاری چین تاسیس شده، تامین مالی شده بود. چنین پشتیبانی‌ای قطعا در تمایلی که بسیاری از مسئولان ارشد سازمان ملل، ازجمله خود دبیر کل، به ابتکار کمربند-جاده نشان داده‌اند، موثر بوده است.

روشن است پیشرفت‌های انجام‌شده در حوزه ابتکارهای توسعه جهانی، امنیت جهانی و تمدن جهانی در مراحل ابتدایی هستند. تاکنون تنها تعداد انگشت‌شماری از رهبران کشورهایی مانند صربستان، آفریقای جنوبی، سوان جنوبی و ونزوئلا پشتیبانی لفظی خود را از ایده ابتکار تمدن جهانی مبنی بر احترام به تنوع تمدن‌ها و مسیرهای توسعه و به‌تبع آن، مبنی بر نظمی که برای ارزش‌های دموکراسی لیبرال تفوق قائل نشود، ابراز داشته‌اند. میزان پشتیبانی بین‌المللی از ابتکار توسعه جهانی بیشتر از ابتکار تمدن جهانی بوده است. پس از رونمایی از این ابتکار توسط شی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، چین «گروه دوستان ابتکار توسعه جهانی» را تشکیل داد که اکنون مدعی داشتن بیش از ۷۰ عضو است. در قالب این ابتکار، ۵۰ پروژه اجرایی شده و چین وعده داده فرصت سفر آموزشی بیش از ۱۰۰هزار نفر از مسئولان کشورهای مختلف را به این کشور فراهم کند تا به مطالعه نظام‌های آن بپردازند. هدف از این فرصت‌های آموزشی گسترش فناوری‌های پیشرفته چین، تجربیات مدیریتی آن و مدل توسعه این کشور بوده است. چین همچنین موفق شده به‌طور رسمی ابتکار توسعه جهانی را به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد پیوند دهد و با همکاری دفتر جنوب-جنوب سازمان ملل متحد، سمینارهایی مرتبط با ابتکار توسعه جهانی برگزار کند.

میزان حمایت لفظی از ابتکار امنیت جهانی حتی از این هم بیشتر بوده است. وزارت امور خارجه چین اعلام کرده بیش از ۱۰۰ کشور، سازمان منطقه‌ای و سازمان بین‌المللی حمایت خود را از این ابتکار اظهار داشته‌اند و مسئولان چینی نیز بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی)، آسه‌آن و سازمان همکاری شانگهای را ترغیب کرده‌اند این مفهوم را اتخاذ کنند. در نشست سپتامبر ۲۰۲۲ سازمان همکاری شانگهای، چین طرح ابتکار امنیت جهانی را به پیش برد و از سوی همه اعضا، به‌استثنای هند و تاجیکستان، مورد استقبال قرار گرفت.

جذابیت توده‌ای

چین برخلاف ایالات‌متحده سرمایه‌گذاری زیادی در منابع دیپلماتیک لازم برای بازاریابی ابتکارات خود انجام داده است. تعداد سفارت‌ها و نمایندگی‌های دیپلماتیک این کشور بیش از هر دولت دیگری در جهان است و دیپلمات‌های چینی معمولا به سخنرانی در اجلاس‌های مختلف پرداخته و مجموعه‌ای از مقالات را در بنگاه‌های خبری محلی درباره ابتکارهای چین منتشر می‌کنند.

این ابزار دیپلماتیک از سوی شبکه رسانه‌ای درحال گسترش چین هم مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. تعداد دفاتر خارجی شبکه بین‌المللی خبر چین (سی‌جی‌تی‌ان) دوبرابر سی‌ان‌ان است و شینهوا، خبرگزاری رسمی چین نیز بیش از ۱۸۰ دفتر در سراسر جهان دارد. هرچند نگاهی که در غرب به رسانه‌های چینی وجود دارد آنها را چیزی در حد ابزارهای پروپاگاندا می‌داند، اما آنها قادرند تصویری مثبت از چین و رهبران آن به‌وجود بیاورند. گروهی از پژوهشگران بین‌المللی طی مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۴، برای تعیین اینکه کدام‌یک از دو کشور چین و آمریکا در «فروختن» مدل سیاسی و اقتصادی خود و نقش رهبری جهانی موفق بوده‌اند، به مطالعه ۶هزار فرد در ۱۹ کشور جهان پرداختند. پاسخ‌دهندگان در ابتدا به‌طرز چشمگیری به ایالات‌متحده گرایش داشتند- ۸۳ درصد پاسخ‌دهندگان مدل سیاسی ایالات‌متحده را ترجیح می‌دادند، ترجیح ۷۰ درصد مدل اقتصادی واشنگتن بود و ۷۸ درصد رهبری ایالات‌متحده را مرجع می‌دانستند.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

اما زمانی که همین پاسخ‌دهندگان در معرض پیام‌های رسانه‌ای چین قرار گرفتند، چه در معرض رسانه‌های چین و چه پیام‌های صادرشده از سوی دو دولت آمریکا و چین در جریان رقابت شانه‌به‌شانه مدل‌های چینی را به مدل‌های آمریکایی ترجیح دادند. چین همچنین برای نیل به اهداف خود، حساب سنگینی روی قوت شرکت‌های دولتی خود و بخش خصوصی کشور باز کرده است، مثلا شرکت‌های فناورانه چین علاوه بر فراهم کردن امکان اتصال دیجیتال برای تعدادی از کشورهای جهان، این کشورها را قادر می‌سازند از عناصری از مدل سیاسی پکن نیز تقلید کنند. گزارش «خانه آزادی» نشان می‌دهد نمایندگان ۳۶ کشور جهان در جلسات آموزشی دولت چین در حوزه کنترل رسانه و اطلاعات اینترنتی شرکت کرده‌اند، مثلا استفاده از مدلی برای حکمرانی اینترنت که یکی از وزرای سابق دولت زیمبابوه آن را «شیوه چینی» نامیده، سبب بازداشت چندین نفر از اهالی این کشور به اتهام انتقاد آنلاین از رئیس‌جمهور این کشور شد. متخصصان شورای روابط خارجی آلمان هم فاش کرده‌اند جعبه‌های میانی [یک دستگاه شبکه رایانه‌ای است که ترافیک را برای اهدافی غیر از ارسال بسته، تغییر داده یا بازرسی، پالایش و دستکاری می‌کند. نمونه‌هایی از جعبه‌های میانی فایروال‌ها، مترجم‌های آدرس شبکه، متعادل‌کننده‌های بار و دستگاه‌های بازرسی بسته عمیق هستند] شرکت هوآوی در ۱۷ کشور جهان به مسدودسازی وب‌سایت‌ها می‌پردازند. هرقدر تعداد دولت‌هایی که از هنجارها و فناوری‌های چینی سرکوب‌کننده آزادی‌های سیاسی و مدنی استفاده کنند، توانایی پکن برای تضعیف آغوش باز نظم بین‌المللی فعلی روی حقوق جهانی بشر افزایش خواهد یافت.

شی همچنین نقش دستگاه امنیتی چین به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک را هم افزایش داده است. ارتش آزادی‌بخش چین با تعداد زیادی از کشورها رزمایش نظامی مشترک برگزار می‌کند و به ارتش‌های کشورهای مختلف در حال توسعه آموزش می‌دهد. مثلا چین سال گذشته مسئولان نظامی بیش از ۱۰۰ کشور جهان را از ۵۰ کشور آفریقایی و اتحادیه آفریقا برای شرکت در سومین نشست صلح و امنیت چین-آفریقا به پکن دعوت کرد. در این مجمع، چین و شرکت‌کنندگان آفریقایی توافق کردند رزمایش‌های نظامی مشترکی برگزار کنند و آغوش خود را به روی ابتکار کمربند-جاده و ابتکار امنیت جهانی، در کنار برنامه توسعه ۲۰۳۶ اتحادیه آفریقا، باز کردند تا از این طریق توسعه اقتصادی را دنبال کنند، صلح را ترویج دهند و ثبات را در قاره آفریقا تضمین سازند. این تنظیمات در کنار هم کمک می‌کنند تا نظام امنیت مشترک مورد علاقه چین ایجاد شود؛ نظامی که مبتنی بر پکن است.

چین با صبوری و فرصت‌طلبی راهبرد خود را تقویت کرده است. پکن منابع عظیمی را برای ابتکارات خود فراهم می‌کند و از این طریق کشورهای دیگر را از پشتیبانی بلندمدت خود مطمئن ساخته و به این ترتیب مسئولان چینی قادر می‌شوند تا در هنگام بروز فرصت‌ها، به سرعت دست به عمل بزنند. مثلا چین جاده ابریشم سلامت را برای اولین بار در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد؛ اما توجه چندانی به این ابتکار نشد. چین در سال ۲۰۲۰ از کرونا برای دمیدن روحی تازه به این ابتکار استفاده کرد. شی سخنرانی مهمی نزد مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه داد و چین را به‌عنوان هاب پزشکی جهان معرفی کرد. پکن هرکدام از استان‌های چین را با یک کشور متفاوت شریک ساخت و از استان‌های مذکور خواست تا به این کشورها ابزارهای حفاظت شخصی و کادر درمان اعزام کنند. چین همچنین از این همه‌گیری استفاده کرد تا فناوری‌های بهداشتی چینی و طب سنتی چین -یک اولویت برای شی- را به‌عنوان شیوه‌هایی برای درمان این ویروس مطرح کند.

چین همچنین اخیرا از حمله روسیه به اوکراین و تحریم‌های متعاقب غرب علیه روسیه برای گسترش دلارزدایی از اقتصاد جهانی استفاده می‌کند. بیشتر تجارت چین با روسیه اکنون با استفاده از رنمینبی انجام می‌شود و پکن از طریق ابتکار کمربند-جاده و سازمان‌های چندجانبه‌ای (مانند بریکس که بیش از ۳۴ کشور تمایل خود به عضویت در آن را ابراز کرده‌اند) برای پیشبرد دلارزدایی استفاده کرده است. لوئیس ایناسیو لولا دا داسیلوا در جریان سفر سال ۲۰۲۳ خود به چین اظهار داشت: «من هر شب از خودم می‌پرسم چرا باید همه کشورها تجارت خود را با دلار انجام دهند؟ چرا ما نمی‌توانیم با واحد پول خودمان تجارت کنیم؟»

بازده

پکن قطعا در کسب حمایت‌های لفظی از سوی کشورهای دیگر و همچنین سازمان‌ها و مسئولان سازمان ملل به موفقیت‌هایی نایل شده است. اما عملکرد پکن از نظر تاثیرگذاری بر تغییرات میدانی، جلب پشتیبانی از شهروندان کشورهای دیگر و تاثیرگذاری بر اصلاحات نهادهای بین‌المللی، دارای نتایج ضد و نقیضی بوده است.

ابتکار توسعه جهانی به نوبه خود وضعیت خوبی دارد. گزارش تهیه شده توسط اندیشکده خبرگزاری شینهوا نشان می‌دهد ۲۰ درصد ۵۰ برنامه همکاری اولیه این ابتکار تکمیل شده و ۲۰۰ پیشنهاد دیگر نیز ذیل این ابتکار ارائه شده‌اند. تعدادی از پروژه‌ها بسیار محلی و بلندمدت هستند اما تاثیرات سایر پروژه‌ها فوری‌تر خواهد بود؛ مانند پروژه ساخت یک نیروگاه بادی در قزاقستان که نیازهای انرژی یک میلیون خانوار را برطرف خواهد ساخت.

علی‌رغم اینکه سال‌های زیادی از آغاز ابتکار امنیت جهانی نمی‌گذرد، اما وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، مدعی شده است که آشتی عربستان سعودی و ایران در سال ۲۰۲۳ نمونه‌ای از اصل گسترش گفت‌وگوی این ابتکار می‌باشد. با این وجود، موفقیت‌های چین در استفاده از این ابتکار برای حل نبرد در اوکراین و جنگ غزه با موفقیت کمتری همراه بوده است. علاوه‌بر این، تعدادی از کشورها ابراز نگرانی کرده‌اند که ابتکار امنیت جهانی ممکن است یک اتحاد نظامی باشد. مثلا علی‌رغم اینکه نپال یکی از منتفعان اولیه ابتکار توسعه جهانی بوده، در برابر درخواست‌های متعدد چین برای پیوستن به ابتکار امنیت جهانی مقاومت کرده است؛ زیرا تمایلی ندارد تا عضو هرگونه اتحاد امنیتی شود.

ابتکار کمربند-جاده چشم‌انداز اقتصادی و ژئواستراتژیک بیشتر بخش‌های آفریقا، جنوب شرق آسیا و به‌طور فزاینده‌ای، آمریکای لاتین را تغییر داده است. مثلا هوآوی ۷۰ درصد قطعات مورد استفاده در زیرساخت‌های مخابراتی فور جی آفریقا را تامین می‌سازد. علاوه‌بر این، میزان سرمایه‌گذاری چین در ابتکار کمربند-جاده در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال قبل از آن افزایش یافته است. اما در این میان شواهدی هم وجود دارند که نشان می‌دهند نفوذ ابتکار کمربند-جاده شاید متوقف شده باشد. مثلا در دسامبر ۲۰۲۳، ایتالیا که بزرگ‌ترین اقتصاد شرکت‌کننده در این ابتکار (پس از خود چین) بود از آن خارج شد. در مجمع سال ۲۰۲۳ کمربند-جاده هم تنها ۲۳ کشور شرکت کردند؛ تعدادی که در سال ۲۰۱۹ برابر با ۳۷ کشور بود. تامین مالی ابتکار کمربند-جاده از سوی چین، در مقایسه با اوج آن در سال ۲۰۱۶، به‌شدت کاهش یافته است و بسیاری از کشورهای دریافت‌کننده اعتبارات ابتکار کمربند-جاده، در تقلا برای بازپرداخت بدهی‌های این کشور هستند.

نظرسنجی‌های افکار عمومی نیز تصویر ضد و نقیض مشابهی را نشان می‌دهند. نظرسنجی موسسه پیو نشان می‌دهد که اقتصادهای دارای درآمد متوسط، و به‌طور خاص کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین، در مقایسه با اقتصادهای دارای درآمد بالا در آسیا و اروپا دیدگاه مثبت‌تری درباره چین و نقش آن در ثبات جهانی دارند. اما حتی در آفریقا و آمریکای لاتین هم دیدگاه‌های عمومی نسبت به چین فاصله زیادی تا یکدستی مثبت دارند.

مثلا نظرسنجی انجام‌گرفته از ۱۳۰۸ نخبه کشورهای آسه‌آن در سال ۲۰۲۳ حاکی از آن است که اگرچه چین موثرترین بازیگر اقتصادی و امنیتی در منطقه محسوب می‌شود اما اکثریت همه کشورها، به استثنای برونئی، نگران افزایش نفوذ چین هستند. تعداد زیاد یا اکثریت پاسخ‌دهندگان در ۷ کشور از ۱۰ کشور موردبررسی بر این باور هستند که ابتکار امنیت جهانی به نفع منطقه نخواهد بود. زمانی هم که از آنها پرسیده می‌شود اگر بین آمریکا و چین مجبور به انتخاب شوند کدام کشور را برخواهند گزید، اکثریت در ۷ کشور از بین ۱۰ کشور، آمریکا را انتخاب می‌کنند.

نظرسنجی‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ موسسه آفروباروم‌تر حاکی از آن است که چین شهرت مثبت بیشتری در آفریقا دارد. ۶۳ درصد آفریقایی‌هایی که در ۳۴ کشور مورد مطالعه قرار گرفتند، اظهار داشتند چین یک قدرت تاثیرگذار بیرونی مثبت به‌شمار می‌رود. اما تنها ۲۲ درصد بر این عقیده بودند که چین بهترین مدل برای توسعه در آینده است. مطلوبیت مدل چینی نیز طی نظرسنجی‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ کاهش یافته بود.

نظرسنجی انجام‌گرفته در سال ۲۰۲۱ از ۳۳۶ شخصیت برجسته در ۲۳ کشور آمریکای لاتین هم به همین اندازه روشنگر بود. اگرچه ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که نفوذ چین در این منطقه بالا است، اما تنها ۳۵ درصد درباره چین نظر مثبت یا بسیار مثبتی داشتند (نظر پاسخ‌دهندگان درباره ایالات متحده آمریکا هم مشابه بود). تجارت با چین و سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور مورد حمایت پاسخ‌دهندگان قرار داشت اما تعامل با این کشور در حوزه‌های همکاری چندجانبه، امنیت بین‌المللی و حقوق بشر از حمایت بسیار اندکی برخوردار بود.

حمایت از چین و ابتکارات مورد حمایت چین در سازمان ملل هم حکایتی مشابه دارد. مثلا مطالعه مفصلی درباره راه ابریشم دیجیتال چین در آفریقا روشن ساخت که اگرچه ۸ عضو آفریقایی این مسیر از پیشنهاد جدید آی‌پی چین برای افزایش کنترل دولتی بر اینترنت حمایت می‌کردند اما بیشتر کشورهای آفریقایی شریک در این مسیر حامی این پیشنهاد نیستند. رای فوریه ۲۰۲۳ برای محکومیت حمله روسیه به اوکراین -رایی که با آرای مثبت ۱۴۱ کشور، آرای منفی ۷ کشور و رای ممتنع ۳۲ کشور (از جمله چین و تمام اعضای سازمان همکاری شانگهای به جز خود روسیه) همراه بود- هم نشانگر رد گسترده اصل امنیت غیرقابل تقسیم ابتکار امنیت جهانی بود. با این وجود، چین موفق شد در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد رای ۲۵ کشور از مجموع ۳۱ کشور نوظهور و دارای درآمد متوسط را در ممانعت از بحث درباره رفتار پکن با اقلیت اویغور با خود همراه سازد. ممانعت از بحث درباره چنین مواردی در تاریخ این شورا تنها یک بار پیش از آن سابقه داشت.

خاموش کردن آتش با آتش

ممکن است پشتیبانی از تلاش‌های چین در بسیاری از بخش‌های جامعه بین‌الملل، کم‌عمق و سطحی به نظر برسد؛ اما رهبران چین اعتماد زیادی به بینش متحول‌کننده خود دارند و به علاوه، اصول و سیاست‌های مبنایی موجود در ابتکارهای امنیت، توسعه و تمدن جهانی به‌شدت مورد استقبال اعضای بریکس، سازمان همکاری شانگهای، کشورهای غیردموکراتیک و دولت‌های آفریقایی قرار گرفته‌اند. پیروزی‌های چین در سازمان‌های بزرگ -مانند سازمان ملل متحد- ممکن است جزئی به نظر برسد اما با توجه به اقتدار گسترده چین در نهادهای بزرگی که بسیاری از اقتصادهای نوظهور و دارای درآمد متوسط برای آنها ارزش قائل هستند، این پیروزی‌ها در حال گسترش است. به علاوه، پکن از یک راهبرد عملیاتی مهیب برای دستیابی به تحول مطلوب خود و ظرفیت هماهنگی سیاستی در سطوح مختلف دولتی در یک بازه زمانی طولانی‌مدت برخوردار است.

یکی از دلایل به ثمر نشستن تلاش‌های چین این است که نظم فعلی به رهبری آمریکا در بیشتر جهان نامحبوب است. این نظم سابقه خوبی در حل چالش‌های جهانی از قبیل همه‌گیری، تغییرات آب و هوایی، بحران دیون یا کمبود غذا ندارد؛ بحران‌هایی که همه به طرز نامتناسبی آسیب‌پذیرترین افراد جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بسیاری از دولت‌ها معتقد هستند که سازمان ملل متحد و نهادهای آن، ازجمله شورای امنیت، به اندازه کافی توزیع قدرت جهانی را بازتاب نمی‌دهند. نظام بین‌المللی همچنین موفق نشده است تنش‌های دیرپا را حل کرده یا از ظهور تنش‌های جدید جلوگیری سازد. به علاوه، این نگاه به طرز فزاینده‌ای وجود دارد که ایالات متحده خارج از هنجارها و نهادهایی عمل می‌کند که خود در ایجاد آنها نقش داشته است: اعمال تحریم‌های گسترده بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد، تضعیف سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و -در دولت ترامپ- خروج از توافقات جهانی.

نهایتا قاب‌بندی که واشنگتن به صورت گاه و بیگاه از نظام جهانی به شکل تقسیم‌شده بین دموکراسی‌ها و حکومت‌های خودکامه انجام می‌دهد، سبب بیزار شدن بسیاری از کشورها، ازجمله تعدادی از دموکراسی‌ها می‌گردد.

حتی اگر بینش چین محقق نیز نگردد، تا زمانی که جهان به نظم جایگزینی دست یابد، این کشور قادر خواهد بود تا از طریق خوار کردن نظم بین‌المللی فعلی برای نیل به پیشرفت‌های فراوان استفاده کند. جنگ سختی که ایالات متحده برای واداشتن کشورها به امتناع از استفاده از تجهیزات مخابراتی هوآوی آغاز کرده است، حاوی درس‌های مهمی برای توجه به یک مساله قبل از شدت گرفتن آن است. مقابله با نظم جهانی که ارزش‌های جهانی حقوق بشر را بی‌ارزش ساخته و حقوق تعیین‌شده از سوی دولت را جایگزین آنها ساخته، از نظام مالی به‌شدت دلارزدایی کرده، سامانه‌های فناورانه کنترل‌شده از سوی دولت را در بخش‌های مختلف تعبیه ساخته باشد و اتحادهای نظامی رهبری‌شده از سوی آمریکا را از هم گسیخته سازد، بسیار دشوارتر خواهد بود.

بنابراین ایالات متحده باید به صورت تهاجمی در قالب یک نیروی تغییر نظام عمل کند. واشنگتن باید از چین یاد بگیرد و فرصت‌طلب باشد؛ و در هنگام تضعیف اقتصادی چین و زیر فشار قرار گرفتن نظام سیاسی آن به دنبال جلب منافع راهبردی باشد. آمریکا باید اذعان کند این جمله مکرر شی که تغییراتی در جهان رخ داده است که «مشابه آن در ۱۰۰ سال گذشته اتفاق نیفتاده است» صحیح می‌باشد اما این گزاره اصلا به معنای آن نیست که این تغییرات به معنای افول ایالات متحده است؛ بلکه این تغییرات مطابق با بینش پویای واشنگتن درباره آینده هستند.

این بینش باید با یک انقلاب اقتصادی و فناورانه آغاز شود که سبب متحول شدن چشم‌انداز دیجیتال، انرژی، کشاورزی و سلامتی به‌گونه‌ای گردد که دارای شمولیت بوده و در ایجاد شکوفایی مشترک جهانی نقش‌آفرینی نماید. این امر نیازمند هنجارها و نهادهای جدیدی است که سبب همگرایی اقتصادهای نوظهور و دارای درآمد متوسط در زنجیره‌های تامین جهانی مقاوم و متنوع، شبکه‌های نوآورانه، زیست‌بوم‌های تولیدی پاک و رژیم‌های حکمرانی اطلاعات و داده شوند. واشنگتن باید مباحثه‌ای جهانی درباره تغییرات فناورانه پیشرفته‌ای را که ریشه در حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت رسمی و پایایی دارند -هنجارهای حکمرانی خوب مشترک که ایدئولوژی‌زده نیستند- ایجاد کند. چنین مباحثه‌ای احتمالا با استقبال روبه‌رو خواهد شد؛ درست همان‌طور که تمرکز چین بر توسعه جذابیت بسیاری داشته است. واشنگتن با شورای تجارت-فناوری ایالات متحده آمریکا-اتحادیه اروپا، چهارچوب اقتصادی هند-اقیانوسیه و مشارکت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جهانی تعدادی از سنگ‌بناهای این بینش را فراهم آورده است؛ اما مساله این است که کشورهایی که بازترین آغوش را به روی بینش متحول‌کننده چین دارند -بیشتر اعضای بریکس و سازمان همکاری شانگهای، کشورهای غیردموکراتیک و کشورهای نوظهور و دارای درآمد متوسط- تا حد زیادی از این معادله بیرون مانده‌اند. واشنگتن باید همراه با این کشورها، در پی تشکیل تنظیمات منطقه‌ای مشابه نهادهای ایجادشده توسط آن در کنار شرکای اروپایی و آسیایی‌اش باشد. کشورهای بیشتری باید وارد شبکه‌های ایجادشده توسط واشنگتن شوند تا زنجیره‌های تامین قوی‌تری تامین گردند -مانند زنجیره‌های ایجادشده در پی تصویب لایحه تراشه و علم. به علاوه، باید برای کشورهایی مانند لائوس و کامبوج هم که از چهارچوب متناظر خود (چهارچوب اقتصادی هند-اقیانوسیه) بیرون مانده‌اند، راهی برای عضویت یافت شود. این امر نفوذ اقتصادی ایالات متحده را افزایش داده و به این کشور امکان می‌دهد تا مسیر توسعه‌ای را ایجاد کند که متفاوت از ابتکارهای کمربند-جاده و توسعه جهانی چین باشند و برخلاف چین به کشورهای شرکت‌کننده امکان دهد تا قوانین این مسیر را خود تعیین کنند.

هوش مصنوعی فرصت منحصربه‌فردی را در اختیار ایالات متحده قرار می‌دهد تا یک رویکرد جدید و دارای شمولیت بیشتر را آغاز کند. با روشن شدن کارکردهای هوش مصنوعی، این فناوری به هنجارهای بین‌المللی جدید و نهادهای بالقوه نوینی نیازمند خواهد بود که امکان بهره‌مند شدن از پیامدهای مثبت آن و جلوگیری از تاثیرات منفی آن را فراهم آورد. واشنگتن که بزرگ‌ترین بازیگر نوآور در عرصه هوش مصنوعی به شمار می‌رود، باید برای تدوین این قوانین با کشورهایی به جز شرکای سنتی خود، همکاری کند. مثلا می‌بایست تلاش‌های مشترک اتحادیه اروپا-آمریکا در حوزه آموزش مشاغل آینده هوش مصنوعی، گسترش یافته و مشتمل بر اکثریت جهان گردد. واشنگتن همچنین می‌تواند از تعامل بین بخش خصوصی و جامعه مدنی قدرتمند خود و همتایان آنها در کشورهای دیگر پشتیبانی کند -رویکردی دارای ذی‌نفعان چندگانه که چین با «دیپلماسی سران» خود از آن امتناع می‌نماید.

این تلاش نیازمند استفاده موثرتر چین از بخش خصوصی و جامعه مدنی آمریکا است -تقریبا مانند چین که شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی خود را وارد ابتکار کمربند-جاده و ابتکار توسعه جهانی نموده است؛ کاری که باید از طریق مشارکت‌های بین‌المللی سرزنده، آغاز شده از سوی دولت و کسب‌وکار و جامعه مدنی محور انجام گیرد. ایالات متحده در بیشتر کشورهای جهان، ازجمله آفریقا و آمریکای لاتین، یک منبع سرمایه‌گذاری خارجی و کمک بزرگ‌تر و مطلوب‌تر از چین به شمار می‌رود. واشنگتن همچنین در عین حال، نسبت به همراستا بودن چشمگیر اهداف راهبردی خود و اهداف اقتصادی بخش خصوصی، ازجمله ایجاد فضای اقتصادی و سیاسی مناسب که پیشرفت‌های شرکت‌های آمریکایی را ممکن سازد، بی‌تفاوت بوده است. اما از آنجاکه شرکت‌ها و بنیادهای آمریکایی بازیگران خصوصی به شمار می‌روند، منافع ناشی از سرمایه‌گذاری آنها عاید دولت ایالات متحده نمی‌شود؛ به همین دلیل نهادینه کردن مشارکت‌های عمومی-خصوصی می‌تواند به نحو بهتری اهداف ایالات متحده را به قدرت بخش خصوصی آمریکا مرتبط سازد و این اطمینان را حاصل کند که ابتکارات مذکور در جریان تغییرات سیاسی کنار زده نمی‌شوند. کار بنیادهای خصوصی در ایالات متحده -که میلیاردها دلار در اقتصادهای نوظهور و کشورهای دارای درآمد متوسط سرمایه‌گذاری می‌کنند- باید از سوی مسئولان آمریکایی چندین برابر شده و با مشارکت دولت ایالات متحده گسترش یابند.

حکمرانی جهانی دارای شمولیت بیشتر مستلزم آن است که واشنگتن با توجه به رشد اقتصادی و نظامی کشورها به نسبت ایالات متحده، بده‌بستان‌های بالقوه را نیز در نظر بگیرد. مثلا در کوتاه‌مدت، مشخص کردن واضح‌تر محدودیت‌های سیاست تحریم ایالات متحده می‌تواند به کاهش سرعت تلاش‌های دلارزدایی پکن کمک کند. اما واشنگتن باید از این زمان برای ارزیابی قابلیت تسلط دلار در بلندمدت استفاده کند و مشخص سازد که برای حفظ تسلط آن باید چه اقداماتی انجام دهد. بینش واشنگتن همچنین ممکن است مستلزم اصلاحاتی در نظام فعلی اتحادها باشد. واقعیت سخت قدرت نظامی رو به رشد چین و حمایت اقتصادی این کشور از روسیه در طول جنگ علیه اوکراین، روشن می‌سازد که واشنگتن و متحدانش باید در مورد ساختارهای امنیتی لازم برای مدیریت در جهانی که در آن پکن و شرکای همفکر آن به‌عنوان متحدان نظامی نرم، و به صورت بالقوه سخت، عمل می‌کنند، دوباره فکر کنند.

ایالات متحده نیز باید مانند چین هزینه بیشتری صرف مبانی رقابت‌پذیری و امنیت ملی خود کند تا در بلندمدت به موفقیت نایل گردد. اگرچه سیاست‌های دفاعی اغلب ضروری هستند، اما آنها اغلب تنها حفاظ‌های کوتاه‌مدت ایجاد می‌کنند. این امر به معنای آن است که واشنگتن می‌بایست برای رقابت با دستگاه سیاست خارجی چین، کارکنان بیشتری را استخدام کند. حدود ۳۰ سفارت و نمایندگی ایالات متحده اکنون سفیر مستقر ندارند و همه این کرسی‌های خالی باید پر گردند. ایالات متحده گام اول برای بهبود رقابت‌پذیری اقتصادی خود را با برنامه‌هایی مانند «لایحه کاهش تورم» و «قانون ریزتراشه و علم» برداشته است اما نیازمند سرمایه‌گذاری پایدار در تحقیق و توسعه و تولید صنعتی پیشرفته می‌باشد. آمریکا همچنین باید برنامه‌های مهاجرتی را دنبال کند که در نتیجه آنها استعدادهای برتر سراسر جهان جذب آمریکا شده و در این کشور حفظ گردند. واشنگتن همچنین باید دوباره خود را متعهد به سرمایه‌گذاری در مبانی قابلیت‌های نظامی بلندمدت خود و به‌روزرسانی آنها سازد. بدون حمایت دوحزبی از اجزای رقابت‌پذیری و رهبری دوحزبی ایالات متحده، پکن همچنان بر اسب مراد خود در تغییر نظم جهانی سوار خواهد بود.

برای جلوگیری از اصطکاک غیرضروری، ایالات متحده باید به تثبیت روابط ایالات متحده و چین با تعریف زمینه‌های جدید همکاری، گسترش تعامل جامعه مدنی، کاهش لفاظی‌های خصمانه بیهوده، مدیریت راهبردی سیاست تایوان خود و صدور پیامی روشن درباره ابزارهای اقتصادی که واشنگتن برای حفاظت از امنیت اقتصادی و ملی ایالات متحده از آنها استفاده می‌کند، ادامه دهد. این امر ایالات متحده را قادر خواهد ساخت تا روابط خود را با کسانی در چین که نگران مسیر فعلی کشورشان هستند، حفظ کنند. به علاوه، این فرصت به واشنگتن داده می‌شود تا روی تقویت قابلیت‌های اقتصادی و نظامی خود تمرکز کرده و در عین حال براساس بینش جهانی خود رو به جلو حرکت کند.

حق با چین است؛ نظم جهانی نیازمند اصلاح است؛ اما مبانی این اصلاحات گشودگی، شفافیت، حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری رسمی هستند که همگی صفات بارز دموکراسی‌های بازار جهان هستند. نوآوری و خلاقیت جهانی لازم برای حل چالش‌های جهان بهترین عملکرد را در جوامع باز از خود نشان می‌دهند. شفافیت، حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری رسمی، پایه و اساس رشد اقتصادی سالم و پایدار جهانی است. نظام کنونی اتحادها نیز اگرچه برای تضمین صلح و امنیت جهانی ناکافی است، اما به مدت بیش از ۷۰ سال از وقوع جنگ بین قدرت‌های بزرگ جهان جلوگیری کرده است. چین هنوز نتوانسته است اکثریت مردم کره زمین را متقاعد کند که نیات و توانایی‌های این کشور همان مواردی هستند که برای شکل دادن به قرن بیست و یکم مورد نیاز است؛ اما این مسئولیت ایالات متحده و متحدان و شرکای آن است که یک جایگزین مثبت و قانع‌کننده ایجاد کنند.

> سیاستمداران آمریکایی باید به‌جای رد تجربیات چین، از آنها بیاموزند. ایالات‌متحده برای موفقیت در رقابتی که طولانی‌مدت خواهد بود، باید پرچم تغییرات را که اکنون در دستان چین است، در اختیار خود بگیرد. واشنگتن باید بینش خود را درباره نظم بین‌المللی متحول شده و نقش آمریکا در آن اظهار نماید؛ بینشی که مشتمل بر کشورهای دارای سطوح اقتصادی مختلف و نظام‌های سیاسی متفاوت باشد. واشنگتن باید مانند چین در بنیادهای فناورانه، نظامی و دیپلماتیکی که سبب ایجاد امنیت در داخل و رهبری در خارج می‌شوند، سرمایه‌گذاری عمیقی کند

> یکی از دلایل به ثمر نشستن تلاش‌های چین این است که نظم فعلی به رهبری آمریکا در بیشتر جهان نامحبوب است. این نظم سابقه خوبی در حل چالش‌های جهانی از قبیل همه‌گیری، تغییرات آب و هوایی، بحران دیون یا کمبود غذا ندارد؛ بحران‌هایی که همه به طرز نامتناسبی آسیب‌پذیرترین افراد جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بسیاری از دولت‌ها معتقد هستند که سازمان ملل متحد و نهادهای آن، ازجمله شورای امنیت، به اندازه کافی توزیع قدرت جهانی را بازتاب نمی‌دهند. نظام بین‌المللی همچنین موفق نشده است تنش‌های دیرپا را حل کرده یا از ظهور تنش‌های جدید جلوگیری سازد

> بنابراین ایالات متحده باید به صورت تهاجمی در قالب یک نیروی تغییر نظام عمل کند. واشنگتن باید از چین یاد بگیرد و فرصت‌طلب باشد؛ و در هنگام تضعیف اقتصادی چین و زیر فشار قرار گرفتن نظام سیاسی آن به دنبال جلب منافع راهبردی باشد. آمریکا باید اذعان کند این جمله مکرر شی که تغییراتی در جهان رخ داده است که «مشابه آن در ۱۰۰ سال گذشته اتفاق نیفتاده است» صحیح می‌باشد اما این گزاره اصلا به معنای آن نیست که این تغییرات به معنای افول ایالات متحده است